۳۰۹- ای مشتعل بنار محبّت اللّه

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۳۰۹- ای مشتعل بنار محبّت اللّه

ای مشتعل بنار محبّت اللّه، اشعار بليغی که از حنجر روحانی صادر در محضر اين عبد ترتيل و تلاوت گرديد. فی الحقيقه در نهايت تضرّع و ابتهال بود و تبتّل و اشتعال. اين عبد چون قرائت کرد بکمال عجز و انکسار و ذلّ و افتقار توجّه بدرگاه آن دلبر آفاق نمود و بعجز و نياز دم گشود و التماس استجابت مسئول روحانی نمود که ای پروردگار حاجت کنيز عزيز را روا فرما و رجای آن سرگشته کويت را در درگاه احديّت مقبول کن آنچه نهايت آرزو و تمنّای اوست مبذول فرما و بهر چه سرور و شادمانی اوست موفّق کن. ای کنيز عزيز الهی ايّام در گذر است و حيات انسانی مانند سراب در باديه بی‌آب چون بنهايت بنگری عبارت از اوهام و خيال. فرقست اگر نفسی اين سراب را ببارد و شراب تبديل نمايد و اين اوهام را بحيات ابدی تبديل کند يا آنکه تا نهايت زندگانی باوهام فانی بگذراند در هر صورت هر دو بگذرد و هر کس دانه ئی افشاند ولی در وقت خرمن معلوم گردد. هر حياتی که بممات منتهی شود از بدايت مرد‌گيست و هر صدمه و بلائی که پايانش حيات باشد زندگی و آزادگی است. شما اگر در حقّ نفسی دعا نمائيد اين را بخواهيد که ای پروردگار از صهبای بلا جام سرشار بخش و در انجمن مصائب کبری ساغر لبريز بنوشان گردنی که سزاوار است اسير زنجير کن و حنجری که لائق قربانيست مبتلا بخنجر کن تنی که هوشمند است در سبيلت بر خاک انداز و خونی که مطهّر است در محبّتت بر خاک افشان اينست دعای حقيقی اينست نياز بندگان الهی.

